

خیرہ بہ تو! خیرہ بہ راہ خدا

بہ «انتظار»، دیدہ بہ دریا کشودن



سرشناسه : درگاهی، حسین، ۱۳۳۱ -
 عنوان و پدیدآور : خیره به تو خیره به راه خدا، به انتظار، دیده به دریا گشودن.
 مشخصات نشر : تهران: شمس الضحی، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۵۱ ص.
 شابک : ISBN: 978 - 964 - 8767-95 - 7
 وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir>
 قابل دسترسی است.
 یادداشت : کتابنامه؛ همچنین به صورت زیر نویس
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۳۴۸۲۱

خیره به تو خیره به راه خدا

تألیف: حسین درگاهی

ناشر: شمس الضحی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پرتو شمس

چاپ: نگارش

طراح جلد و صفحات: محمد درگاهی

شابک: ۷-۹۵-۸۷۶۷-۹۶۴-۹۷۸

صندوق پستی: تهران - ۳۱۴۱ - ۱۹۳۹۵

مراکز پخش:

(۱) قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، واحد ۹، تلفن: (۱۰ خط) ۳۷۸۴۲۲۶۶

(۲) قم، انتهای خیابان صفائیه، بعد از کوچه شماره ۳۹، پلاک ۷۵۹،

طبقه دوم، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۳۷۷۳۷۰۱۱ - ۳۷۷۳۷۰۰۱

(۳) تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۴۴۱۴۱

(۴) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان،

مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۵-۳۲۲۳۷۱۱۳



فهرست مطالب

موضوع	صفحه
مقدمه.....	۹
خیره به تو؛ خیره به راه خدا.....	۱۷
ادب حضور.....	۲۳
نتیجه‌ی انتظار.....	۲۷
تقوا در انتظار.....	۳۸
آثار انتظار.....	۴۲
جان‌کلام و خلاصه‌ی مرام: معنای کاربردی و کاربرد انتظار.....	۴۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرِ الْوَرَىٰ وَ اللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ
عَلَىٰ أَعْدَائِهِمْ شَرِّ الْوَرَىٰ

مقدمه

نیاز انسان به وجود مقدس یک عالم و مربی الاهی، یکی از نیازهای اولیه فطری اوست. همه‌ی انسان‌ها با توجه به شأنی که در خلقت دارند و خصوصیات که خدای متعال برای آن‌ها قرار داده است، دغدغه‌هایی دارند و اولین آن دغدغه‌ها، دغدغه‌ی معرفتی است. همه‌ی انسان‌ها این دغدغه را دارند، حتی کودکان نیز در ضمن سؤالاتی چون: «ما از کجا آمده‌ایم؟ برای چه آمده‌ایم؟ به کجا می‌رویم؟» «خدا چیه؟ کجاست؟ چه جوریه؟» این دغدغه را از دلشان به زبانشان جاری می‌کنند.

البته این سؤال تمام انسان‌هاست؛ اما کودکان، بدون تعارف و ملاحظه‌کاری، آن را به زبان می‌آورند؛ ولی بزرگ‌سالان از آن رو که مبادا پیرسند و شرمنده شوند، آن را بیان نمی‌کنند؛ ولی دائماً با آن زندگی می‌کنند تا آن‌جا که می‌توان گفت هر کسی در طول شبانه‌روز، در تنهایی خویش، لحظاتی با این دغدغه مواجه می‌شود.

اگر به این دغدغه‌ی معرفتی انسان پاسخی داده نشود، او با حسرت و چشم به راه زندگی می‌کند و با همان حسرت از این طرف چشم بسته و در آن طرف چشم می‌گشاید؛ ولی چه فایده!

از دیگر نیازهای فطری انسان - که هر کسی با تمام وجود تمنای آن را دارد - امنیت و سکینه است. نیاز به آرامش و امنیت در زندگی انسان‌ها آن قدر شدید است که همه برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند و خواسته یا ناخواسته، از صبح تا شام به دنبال تأمین این نیازها در آمد و شد هستند تا امکاناتی را فراهم کنند که احساس امنیت و سکینه و آرامش را برایشان به ارمغان بیاورد.

در فرهنگ شیعی، بنا بر دلایل متعدّد - که به برخی از آنها اشاره می‌شود- آن جایی که آن معرفت و امنیّت و سکینه برای انسان حاصل می‌شود، ولایت ولیّ الله است؛ یعنی حضور فعال وجود مقدّس ولیّ الله در باطن انسان.

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱

«کسانی که ایمان آورده‌اند و قلوبشان به ذکر خدا اطمینان می‌یابد. بدانید تنها به ذکر خدا دل‌ها آرامش یابد.»

از امام صادق علیه‌السلام در ذیل آیهی فوق نقل شده است که فرمودند:

«بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَطْمَئِنُّ وَ هُوَ ذِكْرُ اللَّهِ وَ حِجَابُهُ»^۲

«به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (قلب‌ها) آرامش می‌یابد و اوست ذکر خدا و حجابش.»

۱. الرّعد (۱۳): ۲۹.

۲. تفسیر صافی: ذیل آیهی شریفه.

در تفسیر قمی نیز ذیل همین آیه آمده است:

«و قوله: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ﴾

قال: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ الشيعة و ﴿ذكر الله﴾

امير المؤمنين و الأئمة عليهم السلام»^۱

«منظور از کسانی که ایمان آوردند، شیعه است و منظور

از ذکر خدا، امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام هستند».

امام باقر علیه السلام نیز فرمودند:

«نحن ذكر الله وَ نحن أكبر»^۲

«مایم ذکر خدا و ما بزرگتر هستیم».

در زیارت جامعه هم از امام هادی علیه السلام می خوانیم:

«السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ... وَ مَاوَى

السَّكِينَةِ...»^۳

«سلام بر شما ای اهل بیت نبوت... و محل آرامش و

سکون».

۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی ۱: ۳۶۶.

۲. بحار الأنوار ۷: ۳۲۱.

۳. مستدرک الوسائل ۱۰: ۴۱۷.

امام جواد علیه السلام نیز در زیارت امام رضا علیه السلام فرمودند:

«بهم سكنت السواكن و تحركت المتحركات.»^۱

«به آنان (اهل بیت علیهم السلام) سکون یافته‌ها ساکن و آرام می‌گردند و حرکت‌کنندگان متحرک می‌شوند.»

هم‌چنین امام عسکری علیه السلام به فرزند گرامی‌شان حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

«إعلم أن قلوب أهل الطاعة والإخلاص نزعٌ إليك
مثل الطير إلى أوكارها.»^۲

«بدان که قلب‌های اهل اطاعت و اخلاص مشتاقانه به‌سوی تو می‌آیند، به‌سان پرندهای که به‌سوی آشیانه پر می‌کشند.»

انسان تا زمانی که به آن معرفت نرسیده است احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و تا وقتی که به آن ایمان دست نیافته، ملتهب و مضطرب است.

۱. بحار الأنوار ۱۰۲: ۵۴.

۲. کمال الدین ۲: ۴۴۸.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«السَّكِينَةُ هِيَ الْإِيمَانُ»^۱

«سکینه همان ایمان است.»

انسان تا به آن سکینه و آرامش نرسیده دائماً احساس بی‌قراری و ناآرامی دارد و آن‌گاه که این همه برایش حاصل شد، از زندگی خود احساس رضایت می‌کند و با فراغ بال و رغبت می‌تواند بندگی کند و شاکر باشد.

بنابراین، نیل به ارتباط با ساحت مقدس ولی الله صلوات الله علیه تکلیفی است که گریزی از آن نیست.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مَحَنَةُ النَّاسِ عَلَيْنَا عَظِيمَةٌ؛ إِنْ دَعَوْنَاهُمْ لَمْ يَجِيبُونَا وَ

إِنْ تَرَكْنَاهُمْ لَمْ يَهْتَدُوا بِغَيْرِنَا»^۲

«محنت و رنج مردم بر ما عظیم است. اگر آنان را

بخوانیم، ما را اجابت نمی‌کنند و اگر رهاشان کنیم، جز

به وسیله‌ی ما هدایت نمی‌شوند.»

۱. بحارالأنوار ۶۹: ۲۰۰.

۲. همان ۲۳: ۱۰۲.

در زیارت جامعه‌ی کبیره هم می‌خوانیم:

«... الباب المبطلی به الناس من أتاكم نجی و من لم
ياتکم هلك...»^۱

«(شما اهل بیت) باب امتحان مردم هستید. هر که نزد
شما آید، نجات یابد و هر که به سوی شما نیاید، هلاک
گردد.»

در زیارت آل یس نیز می‌خوانیم:

«... فلا نجاة ولا مفرع إلا أنتم...»^۲

«نجات و پناهی جز شما نیست.»

اگر این ارتباط و اتصال و این بروز و ظهور در فرد اتفاق
بیفتد، آن‌همه برای وی حاصل می‌شود و اگر در جمع اتفاق
بیفتد، برای همه حاصل می‌شود.

۱. مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره.

۲. بحارالأنوار ۹۹: ۹۶.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«اعرف إمامك فإنك إذا عرفته لم يضرك تقدم هذا الأمر أو تأخر.»^۱

«امامت را بشناس که اگر او را شناختی، نزدیک شدن و یا به تأخیر افتادن این امر به تو ضرری نمی رساند.»

فضیل بن یسار گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

«مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِثْلَ جَاهِلِيَّةٍ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأْخُرُ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ.»^۲

«هر که بمیرد و امامی نداشته باشد، به مرگی جاهلیت مرده است و هر که بمیرد در حالی که امام خویش را بشناسد، این امر پیش افتد یا تأخیر افتد، به حال او ضرری نمی رساند و هر که بمیرد در حالی که او شناسای امامش باشد مانند کسی است که به همراه قائم (علیه السلام) در خیمه اش باشد.»

۱. همان ۵۲: ۱۴۱.

۲. همان: ۱۴۲.